

بخش ششم

بنام آنکه قلم آفرید و به آن قسم یاد کرد

7 و 8 ثور 5 میزان* را به دنبال آورد

خواننده محترم!

برخی از حوادث و رویدادهای بیش از 13 سال اخیر، سرزمین خویش را قبلاً طور فشرده مرور نمودیم، که رهبری رژیم طالبان، تقاضای ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا را، مبنی بر تسلیمدهی آقای اسامه "بن لادن" به آن دولت (در ارتباط با حادثه تروریستی، سه شنبه 20/6/1380 ش - 11 سپتامبر 2001 م در آمریکا) نپذیرفت.



اسامه بن لادن "رهبر القاعده"



جورج دبلیو بوش "رئیس جمهور آمریکا"



ملا عمر "امیر طالبان"

دوستان دیروز و ناراضیان امروز

رهبران دولتهای آمریکا و بریتانیا هر دو مشترکاً دست بکار شدند، تا رژیم طالبان را در هم کوبند و شبکه القاعده را، زخمی و مجروح سازند. در نتیجه - روزیکشنبه 15/7/1380 ش (10/7/2001 م)، بمب باردمانهای هوایی - طیارات کشورهای متذکره آغاز و با همکاری، نیروهای جبهه متحد شمال در افغانستان، حاکمیت رژیم طالبان - روز دوشنبه 21/8/1380 ش (12/11/2001 م) ساقط و شبکه "القاعده" تار و مار گردید، در نتیجه حکومت در حال هجرت، آقای برهان الدین "ربانی" (که تا آن هنگام، هنوز از طرف سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده بود) به قصر ریاست جمهوری در شهر کابل، باز گشت.

همچنان مطلع بودیم، که با ابتکار ایالات متحده آمریکا و متحدانش، در همکاری سازمان.م.م، کنفرانس بین المللی "بن" روز سه شنبه 6/9/1380 ش (27/11/2001 م) در پایتخت کشور فدرال آلمان در باره آینده افغانستان برگزار گردید. کنفرانس مذکور بدون کمی، کاستی و نارسای نبود، از جمله در ترکیب اعضای شرکت کننده آن، نبود نمایندگان

اکثریت مردم خموش کشور بنام افغانستان و نشنیدن صدای آنها، همچنان پذیرش - پیروزی آقای حامد "کرزی" با داشتن، رای اقلیت 2 در برابر رای، 9 یا 11 - آقای عبدالستار "سیرت"، که این مسأله آفتابی را، نه - برادران "تنظیمی" اشتراک کننده در اجلاس، که بیش از همه ادعای مسلمان بودن را دارند، نه وابستگان محمد ظاهرخان - شاه سابق (سایه خداوند در زمین) نه - دوستان دموکرات تحصیل کرده در کشورهای غربی، نه - نماینده سرمنشی ملل متحد (آقای اخضر "ابراهیمی")، نه - نماینده تام الاختیار آمریکا (آقای زلمی "خلیلزاد معمار اصلی" "بن" و نظام سیاسی ریاستی کنونی افغانستان)، نمونه ای از دموکراسی و حامی آن در جهان و نه - هم چهل و چهار تن مشاور و ناظر، کشورها و نهادهای بین المللی، هیچ یک در باره تخطی آنچنانی و آفتابی - چیزی نگفتند و نادیده انگاشتند.

در حالی که: دین مقدس اسلام، مسلمین را بر راستگویی و دفاع از راستی دعوت می کند و می باید در آن روز، از رای اکثریت آقای "سیرت"، قاطعانه دفاع می گردید. نیز پیروان سایه خداوند - می بایست هر جایکه حقیقت هست، دنبال آن می بودند ولی نشدند. همچنان یکی از تعاملات دموکراسی شناخته شده و پذیرفته شده جهان، باورمندی به آرای اکثریت، پذیرش و دفاع از آن می باشد و دموکراتهای سرزمین ما در کنفرانس چنین نبودند و بالاخره - ملل متحد که خود، نورم های قبول شده اتفاق ویا اکثریت را در تعاملات کاری رای گیری جلساتی چون: مجمع عمومی ملل متحد، شورای امنیت آن (به استثنایی حالتی که یکی از اعضای دائمی اش نپسندد و آنرا ویتو کند) و مجموع - نهادهای جنبی خویش، از آن نمونه ها پیروی می نمایند. اما در این نشست جهانی، نورمهای ذکر شده، بفراموشی سپرده شد و کسی هم خمی بر ابرو نیاورد. از معلمی خوشنام و نشانی، در زمان متعلمی در مکتب شنیده بودم "چو کفر از کعبه خیزد کجا ماند مسلمانی" و آقای داکتر حشمت "نوید" جایی گفته بود:

چو غرض آمد هنر پوشیده شد
صد حجاب از دل به سوی دیده شد
(مولانا)

چرا چنین شد؟ گفته اند "تخته به تخته جورآید، حاجتی - نچار نیست" چون همه - به استثنایی، اکثریت قاطع مردم خموش، جامعه ستمزده افغانستان، سهم خود را از این کنفرانس دریافته بودند، بناً، جای به حرف گفتن هیچ یک از اعضای اشتراک کننده در کنفرانس مذکور باقی نمانده بود. بدین لحاظ، به حل کلیدی مسایل افغانستان که در آن منافع کشور و اکثریت مردم آن، نهفته بود، توجه نشد. آن بود تا، پس لرزه های این بی تفاوتی ها، به امر منافع مردم و کشور را، سالهای بعد شاهد باشیم.

ای غره به اینکه دهر فرمانبرتوست
وین ماه و ستاره و فلک چاکر توست
ترسم که ترا چاکر خویش پندارند
آن مورچگان که رزقشان پیکرتوست
(خلیلی)

بهرحال اعضای اشتراک کننده نشست "بن" سر انجام توافقتنامه ای را، چهار شنبه مورخ 14/9/1380 ش (5/12/2001 م) به امضا رساندند. همچنان در کنفرانس، سازمان ملل متحد وظیفه یافت، جهت جلب همکاری جامعه جهانی، همیاری و نظارت از توافقتنامه کنفرانس "بن" از طریق نماینده خویش (آقای اخضر "ابراهیمی") مسوولیت خویش را در راستای تطبیق مفاد توافقتنامه "بن" در افغانستان به انجام رساند.

اداره موقت (تعیین شده در "بن"، با زعامت آقای حامد "کرزی"، معاونین و اعضای حکومت او)، قدرت را روز شنبه تاریخ 1/10/1380 ش (22/12/2001 م) از استاد برهان الدین "ربانی" تحویل گرفت. متعاقباً جامعه جهانی و اداره افغانستان هر دو با تلاشهای سیستماتیک و دوامدار و با کمک رسانی بی مانند برخی از کشورهای قدرتمند و سازمانهای با اعتبار بین المللی به افغانستان در عرصه های - سیاسی، نظامی، اداری، قضایی، مالی، اقتصادی، خدمات اجتماعی از جمله حقوق بشر، عدالت، همچنان بخاطر ایجاد نظام و سیستم دولتی با میکانیزم قبول شده، در کنفرانس "بن" و متعاقب آن مطابق خواست مردم افغانستان با تصویب قانون اساسی و همچنان مبارزه علیه شورشگری داخلی و تروریسم در منطقه و جهان، سلسله فعالیتها و تلاشهای را در سطح کشور و نشستهای بین المللی و منطقه وی را، در سطح جهان بطور گسترده، راه اندازی نمودند. اینک، برخی از این تلاشها و کارکردها را مرور می کنیم:

در قدم نخست شورای امنیت س. م. م. اجرایی وظایف امنیتی را، جهت تطبیق برنامه های پیشبینی شده در توافقتنامه "بن" در مورد افغانستان از جمله حمایه امنیتی از اداره موقت، پنجشنبه مورخ 29/9/1380 ش (20/12/2001 م) به آیساف" (نیروهای یاری امنیتی ملل متحد، که به تدریج توسعه یافت، متشکل از قوتهای نظامی کشورهای: آمریکا، انگلستان، کانادا، استرلیا، نیوزیلند، آلمان، فرانسه، مجارستان، ایتالیا، اسپانیا، ترکیه، لهستان، پرتغال، رومانی،

کرواسی، گرجستان، دنمارک، بلژیک، جمهوری چک، نروژ، بلغارستان، کره جنوبی، اسلواکی، آلبانی، جمهوری آذربایجان، اسلونی، سنگاپور، السالوادور.....) سپرد، بعد از یکسال و تقریباً چهار ماه اجرای وظیفه، برای سهولت و اجرای فعالیتهای بهتر و منسجم تر، دوشنبه 20/5/1382 ش (11/8/2003 م) "ایساف" وظیفه اش را رسماً، به "ناتو" واگذار کرد.

اداره موقت، مبنای قانون حکومت خویش را، مطابق فیصله کنفرانس "بن"، قانون اساسی 1343 ش (1964 م) زمان محمد ظاهر- شاه سابق افغانستان، با شروط الی تصویب قانون اساسی جدید قرار داد. از آنجاییکه مردم افغانستان در چند دهه اخیر درد ورنج طاقت فرسای (کار به استخوانشان، رسیده بود) را، از جانب رژیمهای گوناگون (انحصارگر، ایدئولوژیک، شونیست، تندرو، افراطی، چپاولگر، متعصب، وابسته و تمامیت خواه...) متحمل شده بودند، ناگزیر، لشکرکشی کشورهای خارجی را غنیمت شمرده، آنها را پذیرفتند و حاکمیت جدید، تشکیل شده در خارج (مانند بسا حکومتهای که در خارج از کشور ایجاد گردید و به افغانستان منحیث متاع صادر گردیدند، در نتیجه فاجعه آفریدند) را، بار دیگر به فال نیک گرفتند و از آنها استقبال کردند.

با استقرار اداره موقت در افغانستان، کنفرانس بین المللی "توکيو" به روزهای دوشنبه و سه شنبه به تاریخ های 1-2/11/1380 ش (21-22/1/2002 م) با میزبانی دولت جاپان و سازمان م. م، با حضور نمایندگان بیش از 50 کشور جهان، در کشور شاهی جاپان برگزار گردید. اشتراک کنندگان سیستم قضایی و حقوقی افغانستان را، مورد بررسی قرار داده و روی راه کارهای اصلاح سیستم قضایی افغانستان بحث کردند و تعهد سپردند که در زمینه، کمک های دراز مدت صورت می گیرد. اشتراک کنندگان مبلغ 5/4 میلیارد دالر آمریکایی، برای مدت پنج سال کمک مالی برای افغانستان را تعهد سپردند.

آقای حامد "کرزی" رئیس اداره موقت، برای ایجاد کمیسیونها (جهت ایجاد و فعال ساختن سیستم دولتی قبول شده موقت در "بن") فرمانهای جداگانه صادر نمود و جرگه اضطراری را، برای مشخص ساختن، ساختار اداره انتقالی (دولت انتقالی)، انتخاب رئیس، معاونین و اعضای حکومت آن، روز دوشنبه 20/3/1381 ش (10/6/2002 م) با حضور 1,600 نفر، از طریق "کمیسیون تدویر جرگه"، تحت ریاست آقای محمد اسماعل "قاسمیار" دعوت نماید. جرگه مذکور آقای "کرزی" را برای مدت دو سال، بحیث رئیس دولت انتقالی انتخاب نمود. اما آقای حامد "کرزی" خلاف توافقنامه "بن" همزمان با انتخابش بحیث رئیس اداره موقت، به معرفی معاونین ریاست و اعضای حکومت انتقالی تحت ریاست خود پرداخت، در حالی که می بایست، جرگه - در باره تعیین معاونین ریاست دولت انتقالی و اعضای حکومت آن، خود تصمیم می گرفت. ولی کسی صدای بلند نکرد. کسانی در موارد و مسایل دیگری مطرحه، در اجندای جرگه حرف و سخنی به گفتن داشتند، نه تنها مجال صحبت کردن برایشان داده نشد، بلکه برای تعدادی، اتهام "کفر" و "ضد جهاد" مانند گذشته که برای امیر امان الله خان تراشیده بودند، نثار ایشان گردید. حتا کسانی را موقتاً از حضور در اجلاس محروم ساختند. مطابق تصمیم "جرگه اضطراری"، آقای حامد "کرزی" با همان ساز و برگ اداره قبلی (موقت) زمام دولت انتقالی را، بدست گرفت و بکار خویش ادامه داد و در پهلوی اجرای کارهای روزمره دولتی، برای ایجاد کمیسیون دعوت "جرگه قانون اساسی افغانستان" فرمان صادر نمود، "جرگه قانون اساسی" یکشنبه تاریخ 14/10/1382 ش (4/1/2004 م) با ریاست آقای "مجددی" به اشتراک 503 نماینده انتصابی و تعدادی نسبتاً انتخابی، دایرگردید و با در نظر داشت اختلاف نظر، میان اعضای اشتراک کننده در اجلاس، زمان جرگه طولانی شد، سرانجام قانون اساسی جدید در 12 فصل و 162 ماده به تصویب رسید و رئیس جرگه، بردفترقانون اساسی مصوب در جرگه، مهر و نشانی کرد.

نوت:- در اینجا لازم می دانم به چند نکته جالب در جرگه، منحیث درسی از دموکراسی روزگار خویش اشاره داشته باشم. در جریان کار جرگه، رئیس محترم آن در لحظه که با پرسش و دشواری روبرو می شود. بدون اینکه راهیابی کند و استدلال نماید، می گوید "بلایم به پستان" خداوندا این چه بی انصافی و خلاصه چه مسخرگیست؟ سخن دیگر اینکه آقای استاد عبدالرب رسول "سیاف" بدون اجازه از رئیس جرگه و بدون در نظر داشت موضوع اجندا، با تردستی، اینکه - "هر کی مسلمان است به پا خیزد" (هندوهم ناگهان و غیر مترقیبه برخواست) و با تأکید و تایید، آقای شیخ محمد آصف "محسنی" پسوند "اسلامی" به دولت جمهوری افغانستان اضافه گردید در حالی که خوب هم شد، اما شیوه های بکار گیری دموکراسی زیر و زبر شد. مرا بیاد یاداشتی که زمانی خوانده بودم. رهبران کشور نو تاسیس پاکستان در سال 1326 ش (1947 م) در مناطق پشتون و بلوچ نشین پاکستان امروزی، گویا "رفراندومی" را، راه انداخته بودند، اینگونه: در یک دست قرآنکریم و بر دست دیگر قانون را داشتند و اینطور وانمود کردند، رای دادن به کلام خداوند، مساویست به پیوستن به کشور پاکستان و رای دادن به قانون، تابعیت از کشور هندوتباران خواهد بود. راستی دموکراسی با وسایل، ابزار و فهم دموکراسی نیازمند است و نه غیر از آن.

گر کار فلک به عدل سنجیده بدی احوال فلک جمله پسندیده بدی

ور عدل بدی بکارها در گردون کی خاطر اهل فضل رنجیده بدی
(خیام)

بعدی 10 روز خلاف طرز العمل جرگه مذکور، کمیته ایجاد گردید، تا نارسایی های املایی، انشایی و برخی از مواد فیصله های روز آخر جرگه، گویا درج اصل دفتر قانون اساسی نشده بوده، تصحیح و تکمیل نماید. بعدها شاهد بودیم، که تعدادی از اعضای اشتراک کننده جرگه قانون اساسی، در رسانه ها "اوویلا" سردادند و عجباً گفتند، که به آمر مقامات در محتوای برخی ماده های، قانون اساسی تصویب شده در "جرگه قانون اساسی" دستکاری کردند و تصرف نمودند. بهر صورت این هم به ادامه ای، کاروایی های قبلی، دست اندرکاران روزگار ما افزوده شد.

نشست بین المللی "برلین" بعد از کنفرانس "توکیو" و "جاپان" و ایجاد "دولت انتقالی اسلامی افغانستان" چهارشنبه 12/1/1383 ش (31/3/2004 م) در کشور فدرال آلمان (جرمنی) به اشتراک مقامهای "دولت انتقال اسلامی افغانستان" و نمایندگان کشورهای کمک کننده به افغانستان تدویر یافت. هئیت جانب افغانستان، از اجلاس پیشنهاد کمکی مبلغ 12 میلیارد دالر را نمود، در عوض نمایندگان کشورهای کمک کننده تعهد کردند، در مدت 3 سال 8 میلیارد دالر بپردازند. همچنان جانب افغانستان پیشنهاد داشت، تا بخشی وسیع کمکها از طریق دولت اش، با در نظر داشت، اولوئیتهای که تشخیص می دهد بمصرف برسد. کنفرانس مسوولیت سازندگی افغانستان را به دولت سپرد. جانب دولت افغانستان تعهد نمود، تا انتخابات اولین ریاست جمهوری و پارلمانی پسا "طالبان" را یکجا برگزار کنند و در جهت دولت سازی عاری از فساد، تقویت بخش خصوصی، مشارکت گروه های اجتماعی بخصوص زنان، بازسازی کشور، مبارزه با تولید و صدور مواد مخدر و اجرای کامل موافقتنامه "بن" تلاش ورزد.

با تصویب قانون اساسی جدید، در "جرگه قانون اساسی" و مطابق یکی از بندهای توافقنامه "بن" و تعهد رئیس جمهور در کنفرانس "برلین" آقای حامد "کرزی" بخاطر برگزاری، اولین انتخابات ریاست جمهوری افغانستان بس از سقوط رژیم طالبان، با صدور فرمانی نهادی را بنام "دفتر مشترک تنظیم انتخابات افغانستان" ایجاد و طی فرمان تقنینی جداگانه، قانون انتخابات را توشیح نمود و بر اساس آن، انتخابات ریاست جمهوری، روز دوشنبه 18/3/1383 ش (7/6/2004 م) با مدیریت "دفتر مشترک تنظیم انتخابات افغانستان" برگزار گردید (درحالی که می بایست مطابق تعهد و پروگرام قبلی، انتخاب ریاست جمهوری و پارلمان افغانستان هر دو همزمان برگزار می شد، بنا بدلایلی بزرگان لازم ندانستند هر دو همزمان برگزار گردد. حال از کاروایی های بزرگان خود، می دانیم که در آن زمان نیز کاسه زیر کاسه ها بوده باشد) امنیت انتخابات را در کل نیروهای "آیساف" به عهده داشت، اصلاً دغدغه امنیت مطرح نبود، انتخابات مذکور مبلغ 359 میلیون دالر از کمک جامعه جهانی خرج برداشت، هشت میلیون نفر، واجد شرایط رایدهی در این انتخابات شرکت ورزیدند. در ارزیابی ها، 100,000 رای باطل شناسایی شد و از شمارش بیرون کشیده شد. در نتیجه آقای "کرزی" با معاونین اول (آقای احمد ضیا "مسعود") و دوم (آقای محمدکریم "خلیلی") با اخذ آرای بیش از 50 فیصد، از طرف "دفتر مشترک تنظیم انتخابات افغانستان" برنده اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری افغانستان پس از سال 2000 م اعلان گردید.

آقای حامد "کرزی" با تجربه های دوره های، اداره موقت و دولت انتقالی، ریاست - جمهوری ریاستی (هم مانند ایالات متحده آمریکا) افغانستان را با صلاحیتهای گسترده و غیر قابل بازپرس، بدست گرفت. درحقیقت هر سه اداره یا سیستم (موقتی، انتقالی و انتخابی) را می توان نوعی حکومت یا دولت توافقی، بخاطر تقسیم قدرت و ثروت در افغانستان میان کمیته ای از افراد و خانواده های مشخص و معین دانست، منتها به شیوه های مختلف و با مهارتهای متفاوت، هریک سر بر آورد و دولتهای خارجی، شامل در قضایای افغانستان، بی نصیب از دریافت سهم برای رسیدن به اهداف کوتاه مدت یا هموارسازی راه، برای رسیدن به اهداف دراز مدت خویش در این پروسه نبودند.

بعد از انتخابات ریاست جمهوری افغانستان و پیروزی آقای حامد "کرزی" بحیث رئیس جمهور و متعاقب گردهمایی جهانی "برلین آلمان"، کنفرانس بین المللی "لندن" دوشنبه مورخ 7-8/12/1384 ش (26-27/2/2006 م) در پایتخت کشور شاهی انگلستان (بریتانیا) با اشتراک 70 کشور و سازمانهای جهانی دایر شد. اعضای کنفرانس کمک 10 میلیارد دلاری را برای بازسازی افغانستان جنگ زده و ویران شده پذیرفت. در این نشست توافقنامه به امضا رسید، که بر اساس آن، افغانستان مانند گذشته به ایجاد اداره شفاف، پاسخگو و مبارزه علیه مواد مخدر، تروریسم و رعایت حقوق بشر تعهد مجدد سپرد...

حدوداً یکسال بعد از اولین انتخابات ریاست جمهوری اسلامی افغانستان، اولین انتخابات پارلمانی (مجلس نمایندگان و سنا) و شوراهای ولایتی افغانستان، روز چهارشنبه مورخ 18/3/1384 ش (8/6/2005 م) با مدیریت "دفتر مشترک تنظیم انتخابات افغانستان" با فرمان تقنینی (قانون انتخابات) رئیس "دولت جمهوری اسلامی افغانستان" راه اندازی شد. انتخابات هر دو همزمان از امنیت نسبی برخوردار بود و بوی از تقلب و تخطی به مشام تیز چشمان رسیده بود. از اینکه

رسانه ها نوایجاد و از تجربه لازم برخوردار نبودند، در جهت آگاهی دهی و پوشش موضوعات انتخاباتی آنچنانکه انتظار می رفت موفق نبودند.

تعدادی کرسی های مجلس نمایندگان افغانستان از 24 ولایت به تناسب نفوس هر ولایت، به شمول سهم کوچیهای افغانستان مجموعاً، 249 مشخص گردیده بود و نمایندگان پیروز از طریق انتخابات به پارلمان راه یافتند. رئیس این دوره مجلس نمایندگان (ولسی جرگه) با اخذ رأی اکثریت مجلس - الی پایان کار دوره پانزدهم مجلس نمایندگان، محمد یونس "قانونی" انتخاب گردید. به همین ترتیب انتخابات، بخشی دیگری پارلمان کشور (مجلس سنا) که تعداد چوکی های آن، 102 تعیین شده بود. بترتیبی، از هر ولایت یک نماینده برای مدت 4 سال (از 24 ولایت 24 نماینده)، به همین ترتیب از مجموع ولسوالی های افغانستان با در نظر داشت، تناسب نفوس 24 نماینده، هر یک برای مدت 3 سال انتخاب و 24 تن دیگر، طور انتصابی از طرف رئیس جمهور افغانستان برای 5 سال معرفی گردید. رئیس این دوره مجلس سنا (مشران جرگه) آقای حضرت "مجددی" (نماینده انتصابی معرفی شده توسط رئیس دولت) به اکثریت آرا، در اولین اجلاس "سنا" انتخاب گردید.

یکی از شهکاری های شورای ملی (پارلمان) این دوره "منشور صلح و آشتی ملی" (عدم تعقیب و پیگرد، ناقضین حقوق بشر و جانین جنگی توسط دولت) می باشد که به روز چهارشنبه - تاریخ 11/11/1385 ش (31/1/2007 م) در مجلس نمایندگانه افغانستان بتصویب رسید. در حالی که بخشی وسیع از اعضای شورای ملی، متهم به تخطی های جدی نقض حقوق بشر و جنایات جنگی هستند. نیز مستنداتی برای تطبیق عدالت انتقالی توسط کمیسیون "مستقل حقوق بشر افغانستان" (به رهبری خاتم داکتر سیما "سمر" که زریعه فرمائی، در سال 1381 ش (2002 م) ایجاد گردیده بود) با تلاش همه جانبه و دوامدار تهیه گردید و در اختیار رئیس جمهور کشور قرار گرفت ولی مستندات مذکور، زندانی ارگ ریاست جمهوری اسلامی ما گردید. در حالی که تعهدات همیشگی رئیس جمهور آقای حامد "کرزی" و نمایندگان دولت او، در نشستهای بین المللی، تعهد بر تطبیق عدالت کردند و هدایات دین مقدس اسلام، آشکارا، تکرار و پیهم بر تطبیق عدالت تأکید دارد. بعضی ها اینطور می اندیشند که عدالت انتقالی صرف مجازات است و بس. در حالی که عفو و بخشش یکی از بخشهای مهم و اساسی عدالت انتقالی می باشد که در بعضی از کشورهای پسا منازعه و جنگ بخوبی تحقق یافته است. باتاسف در سرزمین ما اقرار به گناه و جرم مساوی به "نامردی" تعبیر شده است، در حالی که اعتراف به گناه و خطا و آمرزش از خداوند (ج) بار گناهان را کم و یا از بین می برد. بر علمای دینی ماست، تا در زمینه روشننگری نمایند در غیر آن شامل حالشان این دعای شاعر خواهد بود:

اگر بینی نابینا و چاه است اگر خاموش بینشینی گناه است
(صائب تبریزی)

بدوام تلاشهای جهانی، بتاريخ 25/4/1386 ش (16/7/2007 م) در مرکز کشور جمهوری ایتالیا، کنفرانس بین المللی "روم" بدنبال نشست "لندن" با ریاست مشترک حکومتهای افغانستان و ایتالیا و سازمان.م.م، برگزار گردید. موضوع محوری این اجلاس را، سیستم قضایی و حاکمیت قانون در افغانستان تشکیل داده بود که این موضوع مورد بررسی قرار گرفت. کنفرانس به این نتیجه رسید، 30 سال جنگ در افغانستان از یکسو و از جانبی بسیاری از قوانین افغانستان با نیازهای شرایط زمانی دنیای امروزی (مدرن) همخوانی ندارد. لذا کنفرانس بر اصلاح قوانین و تقویت حاکمیت قانون، تحکیم سکتور قضایی، اصلاحات عدلی و عدالت برای همه در افغانستان تأکید ورزید و آماده گی خود را برای همکاری در این راستا، بدولت افغانستان اعلام کرد. دولت ایتالیا آماده شد تا کمک مالی به مبلغ 360 میلیون دالر آمریکایی را برای برنامه های اصلاحی و تقویه سیستم عدلی و قضایی افغانستان تخصیص دهد. اما تادیه بخشی از این مقدار پول بنا به بی برنامه گیهای جانب افغانستان با مشکل مواجه گردید.

حکومت آقای حامد "کرزی" بنا به اینکه عاشق صلح است، جهت راهیابی و جستجوی صلح برای افغانستان در تفاهم با حکومت پاکستان، جرگه "مشترک امن افغانستان و پاکستان" را، به روزهای از پنجشنبه تا یکشنبه 18-21/5/1386 ش (9-12/8/2007 م) با اشتراک نزدیک به 700 نفر از سران قومی دو طرف خط مرزی "دیورند" و برخی مقامات دولتی دو کشور (افغانستان و پاکستان) در شهر کابل دایر نمود. رئیس جمهور پاکستان آقای پرویز مشرف عمداً نخواست در افتتاح اجلاس اشتراک ورزد، در عوض آقای شوکت "عزیز" صدر اعظم پاکستان، حضور یافت و آقای "مشرف"، صرف در پایان اجلاس در بخش اختتامیه آن شرکت ورزید. همچنان عده ای از دعوت شده گان سران اقوام آن طرف "دیورند"، جرگه مذکور را تحریم نمودند و در اجلاس حضور نیافتند. کار جرگه با بیانیة آقای "کرزی" رئیس جمهور افغانستان آغاز یافت. موضوعاتی محوری جرگه، چگونگی مصالحه و دریافت راه های مبارزه علیه تروریسم تعیین شده بود و برکار مشترک دولتهای افغانستان و پاکستان تأکید گردید و در قطعنامه جرگه مسایل زیر گنجانده شد:

تروریزم بر هردو کشور (افغانستان و پاکستان) یک تهدید مشترک است، وظیفه هردو دولت می باشد، تا فعالیتهای تروریستی و منابع آنها را، در هر دو سوی سرحد از بین برده و زمینه های گفتگو، برای صلح و آشتی را با مخالفین مسلح افغانستان فراهم سازند. براهمیت روابط برادرانه دوکشور، احترام متقابل میان آنها، عدم مداخله و همزیستی مسالمت آمیز برای توسعه روابط بیشتر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میان دو کشور تأکید ورزید. بیان داشت که بین تروریزم و مواد مخدر روابط پیچیده ای وجود دارد و بین زرع، پروری و قاچاق تریاک و سایر مواد مخدر هم آهنگی فشرده وجود دارد، بناً از حکومت هر دو کشور خواسته شد تا علیه پدیده های شوم متذکره مبارزه جدی را سازماندهی نمایند. از جامعه جهانی تقاضا گردید زمینه های معشیت بدیل را برای دهافین مساعد سازند. همچنان از حکومت پاکستان و افغانستان، مطالبه گردید، تا به کمک جامعه بین المللی در مناطق آسیب پذیر از ناحیه تروریزم، تولید و قاچاق مواد مخدر، پروژه های زیر بنایی در بخش اقتصاد و سکتور اجتماعی ایجاد گردد. نیز بر ایجاد جرگه کوچک 50 عضوی از شخصیت های صالح، دوطرف خط مشترک (افغانستان و پاکستان) برای نظارت از فیصله های "جرگه امن" ایجاد گردد و جلسات منظم خویش را داشته باشد، همچنان برنامه ریزی بخاطر تدویر "جرگه های مشترک امن" بعدی را فراهم سازد. دیده شد که این اول و آخر کار مشترک "جرگه امن" بود و بس. نا گفته نماند که راه اندازی همچو جرگه ها پول گزاف و سرگردانیهای فراوانی را می طلبد و بخشی از انرژی حکومت، نیروهای رزمی و نهادهای کشفی درهمچو، پروگرامهای بی حاصل و بدون اندکترین دست آور بحد می رود.

زنتور طبع فانی تو موجو سرود آرام مطلب گل از دکانی که تفنگ می فروشد
(رازق فانی)

در تداوم همکاری جهانی برای افغانستان، کنفرانس بین المللی "پاریس" بعد از گردهمایی "روم ایتالیا" در کشور جمهوری فرانسه دوشنبه 27/3/1387 ش (16/6/2008 م) با اشتراک نمایندگان 45 کشور جهان و حدود 20 سازمانها و نهادهای بین المللی تدویر یافت و آقایان: هریک سارکوزی رئیس جمهور فرانسه، بان کی مون سرمنشی.س.م.م و "کرزی" رئیس جمهور اسلامی افغانستان، مشترکاً، کنفرانس مذکور را افتتاح نمودند. در این نشست بین المللی وزرای 65 کشور و نمایندگان 15 نهاد جهانی برای بررسی مشکلات افغانستان گردهم آمدند. نماینده دولت افغانستان با ارائه برنامه پنج ساله دولت خویش، که شامل بازسازی پروژه های حیاتی مورد نیاز افغانستان می شد، مبلغ 50 میلیارد دالر از کنفرانس کمک درخواست نمود و ارقام کمی کنفرانس 2006 لندن نیز در این پیشنهاد گنجانیده شده بود. کشورهای کمک کننده بشمول س.م.م، مشترکاً تعهد نمودند، تا کمکهای بیشتر به افغانستان مبدول دارند. از جمله ایالات متحده آمریکا، آماده کمک 10 میلیارد دالر، سازمان م.م. 1/5 میلیارد دالر، کشور جاپان نیم میلیارد دالر و کشورهای فرانسه و آلمان تعهد کردند که کمکهای خود را تا دو برابر افزایش دهند.

پس از نشست "پاریس فرانسه"، یکشنبه تاریخ 18/12/1387 ش (8/3/2009 م) کنفرانس بین المللی "مسکو" زیر عنوان "بحران افغانستان، جهت دریافت راهکارهای ممکن انکشاف"، به ابتکار مرکز "مطالعات معاصر افغانستان" و به همکاری خبرگزاری "نووستی" روسیه بر گزار شد. در این کنفرانس دیدگاه های مختلف، از جانب نمایندگان همسایه افغانستان اشتراک کننده در کنفرانس و دیگر اعضای شرکت کننده، در رابطه به مبارزه با تروریزم، قاچاق مواد مخدر و سایر موضوعات برای حل مشکل افغانستان ارائه گردید و در زمینه، تبادل نظر صورت گرفت و تصامیم سودمند اخذ گردید.

به سلسله کنفرانسهای بین المللی در باره افغانستان، نشست جهانی "هاگ" بعد از کنفرانس "مسکو روسیه فدراتیف" در مرکز کشور شاهی هالند روز سه شنبه مورخ 11/1/1388 ش (31/3/2009 م) بدعوت پادشاه، این کشور با اشتراک نمایندگان بیش از 70 کشور و موسسات بین المللی به ریاست سازمان.م.م، تحت عنوان "یک استراتژی جامع در معادلات منطوقی" تدویر یافت. هدف اصلی این کنفرانس، تجدید حمایت قاطع و همه جانبه از تلاش های جامعه جهانی، برای استقرار ثبات و انکشاف افغانستان بود و در زمینه راهکارهای مشخص ارائه گردید...

براساس قانون اساسی افغانستان، انتخابات دوم ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی افغانستان، پس از رژیم طالبان با تاخیر از زمان تعیین شده، روز پنجشنبه مورخ 29/5/1388 ش (20/8/2009 م) بامدیریت "کمیسون مستقل انتخابات افغانستان" که ریاست آنرا، آقای داکتر عزیز الله "لودین" به عهده داشت و با نظارت شبه قضایی (کمیسون مستقل شکایات انتخاباتی افغانستان) بر مبنای "فوائین تقنینی انتخابات افغانستان"، برگزار گردید. بعد از طی مراحل تخنیکی سر انجام، 32 تن کاندیدای ریاست جمهوری به رقابت پرداختند. در جریان انتخابات، 13 تن از جمله کاندیدان مذکور به نفع نامزدان، دیگر بخصوص آقای "کرزی" رئیس جمهور برحال کشور استعفا دادند، فهرست ایشان این است: مولوی محمد سعید "هاشمی"، باز محمد "کوفی"، نصرالله بریالی "ارسلایی"، حکیم "تورسن"، یاسین "صافی"، نصرالله

عبدالمجید "صمیم"، نصیر "صافی"، هدایت امین "ارسلا"، شاه محمود "پوپل"، محمد نصیر "انیس"، حسین علی "سلطانی"، عبدالقادر امامی "غوری" و محمد داود "میرکی" ..

در این انتخابات برای اولین بار - دو مناظره میان، نامزدان کاندیدای ریاست جمهوری در تلویزیونهای طلوع و دولت افغانستان راه اندازی گردید. داکتر عبدالله "عبدالله" تغییر نظام ریاستی را در پروگرام خویش، به صدارتی - پارلمانی مطرح ساخت و حضرت صبغت الله "مجددی" استخاره را به نفع آقای "کرزی" واجب دانست.

خدای من! تو انم ده که من هم استخاره کنم نقاب چهره ی، نیرنگ پاره، پاره کنم
خدای من عدالت است یکی استخاره کند؟ و من انگشت زیر لب نشسته، نظاره کنم
(ولی رحمکیان)

قبل از شروع انتخابات، صرف چالش امنیتی، یکی از دغدغه ها و نگرانی های جدی انتخابات این دوره پیشبینی شده بود، اما در کار و زار انتخاباتی، نگرانی های چون تخلف و تقلب، برنگرانیهای امنیتی افزوده شد. نتایج ابتدایی، اوایل ماه میزان همان سال، حدوداً 54 فیصد آرای اشتراک کننده ها را، به نفع آقای حامد "کرزی" رقم زد و آقای عبدالله "عبدالله" 28 درصد آرای رای دهندگان را از آن خود ساخت. اعلان نتایج را آقای داکتر "عبدالله" نپذیرفت و به اعتراض علیه آن برخاست. با در نظر داشت اعتراضات و شکایاتی ثبت شده در "کمیسیون شکایات انتخاباتی" (ترکیبی اعضای آن از افراد داخلی و بین المللی) که بررسی شکایات ثبت شده در "کمیسیون شکایات انتخاباتی"، حدوداً دو ماه را در بر گرفت، با اعلان نتایج نهایی آرای آقای "کرزی" زیر 50 فیصد افتاد و بر اساس قانون انتخابات افغانستان، چون هیچ یک از کاندید نتوانسته بود، در دور اول انتخابات از مجموع آرای رای دهندگان - 50 فیصد جمع 1 رای را بدست آورد و طبق قانون انتخابات، میان دو نامزد پیشتر بدور دوم کشیده شد.

اما آقای "کرزی" از این بابت ابراز نارضایتی نمود و خشم شدید نشان داد و دست اندازی برخی از عناصر خارجی را در قضیه دخیل دانست. به همین ترتیب، آقای داکتر "عبدالله" رقیب آقای "کرزی" بر اعتراضاتش با فشاری نمود و برخی از اعضای حکومت و کمیسیون انتخابات را به همکاری و تقلب به نفع آقای حامد "کرزی" رئیس جمهور برحال کشور متهم ساخت و پیشنهاد نمود، تا مقاماتی ارشد کمیسیون انتخابات، بدلیل جانبداری از آقای حامد "کرزی" برکنار گردند، در غیر آن در دور دوم انتخابات اشتراک نخواهد کرد. این پیشنهادات موصوف پذیرفته نشد و آقای عبدالله "عبدالله" با اعتراض، دور دوم انتخابات را تحریم نمود و در آن اشتراک نوزید.

صاحب نظران مسایل مختلف از جمله تغییر موضع و جهتگیری آقای استاد برهان الدین "ربانی" را، بی تاثیر در نرفتن بدور دوم انتخابات آقای داکتر "عبدالله" نمی دانند. در چنین فضای تنش آلود، تماس تلیفونی آقایان "بان کی مون" سرمنشی س.م.م، گوردون "براون" نخست وزیر بریتانیا، هیلاری "کلینتون" وزیر خارجه آمریکا، آصف زرداری رئیس جمهور پاکستان با آقایان "کرزی" و عبدالله "عبدالله" و سفر چند بلند مقام غرب به افغانستان، آقایان: برنارد گوشنر وزیر خارجه فرانسه، جان کری رئیس کمیته رابط خارجی مجلس سنای آمریکا و زلمی "خلیلزاد" سفیر پیشین آمریکا در سازمان م.م. به افغانستان و بعد از ملاقاتهای پشت پرده در اطاقهای در بسته با دو کاندید پیشتر و برخی افراد با نفوذ در کشور، سر انجام آقای جان کری، در یک کنفرانس مطبوعاتی، دست آقای "کرزی" را به عنوان پیروز انتخابات سال 1388 ش ریاست جمهوری دولت اسلامی افغانستان در سرزمین آزاده ما بلند نمود. چنین درامه ها و سناریوها، مشروعیت حکومت انتخابی آقای "کرزی" را در انظار جهانیان و مردم کشور مورد سوال جدی قرار داد و متعاقب آن، آقای داکتر عزیز الله "لودین" رئیس "کمیسیون مستقل انتخابات" افغانستان با وجود اینکه قبلاً گفته بود، انصراف هیچ کاندیدی در این دور، قابل پذیرش نمی باشد. انصراف آقای عبدالله "عبدالله" را نادیده گرفته (واینکه بیان آنروزی شان چقدر با قوانین کشور سازگاری داشت و یا نه روشن نساخت) و آقای حامد "کرزی" را بترتیب با معاونین اول و دوم شان، هر یک آقایان: مارشال محمد قسیم "فهم" و محمدکریم "خلیلی" برنده انتخابات دور دوم انتخابات ریاست جمهوری سال 1388 ش (2014 م) افغانستان اعلان نمود.

آقای حامد "کرزی" از بابت تشخیص و جدا کردن رأی صحیح از نا صحیح، توسط کمیسیون شکایات انتخاباتی (که مربوط سه کاندید پیشتر هر یک آقایان "کرزی"، "عبدالله" و "بشر دوست" می شد) و تعدادی از آرای هر سه با تناسب متفاوت، باطل گردید (اگر شمارش آرا مبنی بر تصفیه آرای درست از جعلی ادامه می یافت، به باور آگاهان، خیلی از رایهای دیگر هم باطل می گردید و تشتهای نیمه خالی بر زمین و زمان کوبیده می شد، خوب شد که بیش از این کند و کاو صورت نگرفت...) و از این بابت آقای "کرزی" به شدت نا راحت شد و عقده گرفت. بعدها روشن شد، که رئیس جمهور آمریکا، آقای بارک "اوباما" به آقای "کرزی" پیشنهادی داشته بود: عزیزم، "شما (کرزی) رئیس جمهور در انتخابات سال 1388 ش افغانستان باشید و زلمی "خلیلزاد" من، بحیث رئیس اجراییه حکومت شما. آقای "کرزی" در

باره پیشنهاد مذکور، خواست وقت کشی کند و این بحث را، کجدار و مریز ادامه داد، تا اینکه مهلت ثبت کاندیداتوری ریاست جمهوری به پایان رسید (ورنه آقای زلمی "خلیلزاد" یکی از کاندیدا، ریاست جمهوری با پشتیبانی رهبری ایالات متحده آمریکا، قدم به میدان می گذاشت) روشن شد که رئیس جمهور ما (آقای "کرزی") چنین پروگرامی را در سر نداشته و دیگر جای برای پا فشاری، آمریکا و آقای "خلیلزاد" باقی نمانده بود. فکر می شود، در پهلوی مسایل دیگر، یکی از مسایل که باعث تیره گی میان آقایان: "اویاما" و "کرزی" در چند سال اخیر همین مساله باشد. چنین پروگرامها و پلانها، انسان را به یاد ضرب المثلی می اندازد "سزای قروت، آب گرم" اما با تاسف، قوچ ها در ارتباط با منافع خود، باهم درگیر می شوند و پای میش ها، همیشه می شکنند.

کز فرشته سرشته وز حیوان
ور بدان میل کند شود به از آن

آدمی زاده طرفه معجونی است
گر بدین میل کند بود بد از این

مقامات امنیتی کشور انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی، هر دو را با وجود خشونتها، موفقانه ارزیابی نمودند و از 3,139 مورد خشونت گزارش گردید، از کشته شدن 18 تن از نیروهای امنیتی و 9 تن غیر نظامی، از لنت و کوب چند خبرنگار داخلی و خارجی در ارتباط با تصویر برداری از برخورد پولیس با مردم محل (شاه شهید)، مورد خشونت پولیس قرار گرفته، برای زمانی تحت بازداشت قرار گرفتند، اینکه پولیس نوارهای تصویری آنها را ضبط نمود نیز گزارش گردید.

طالبان انتخابات را تحریم و مردم را تهدید کردند که در انتخابات اشتراک نوزند. سوی قصد بجان معاون اول آقای "کرزی"، آقای محمد قسیم "فهم" و حمله به کاروان عبدالله "عبدالله" در شرق کشور نشاندهنده نا امنی در انتخابات مذکور تلقی شد. در این انتخابات از فروش کارتهای رایدهی گزارشاتی به نشر رسید. 300,000 نیروهای داخلی و خارجی در تامین امنیت انتخابات نقش داشتند. 223 میلیون دالر مصرف انتخابات این دوره، از طرف جامعه جهانی پرداخته شد و بمصرف رسید. مصارف کمپاین انتخابات آقای "کرزی" 85 میلیون افغانی تخمین زده شد و عمده تا، تنی چند تجار داخلی و "کابل بانک" چنین زمینه های مالی را فراهم ساختند و با پیروزی آقای "کرزی" کمکها و همکاری مالی ایشان به حدنرفتن، بلکه منفعت چند برابری را در عرصه های مختلف از آن خود کردند.

متعاقب گردهمایی بین المللی "هاک کشور هالند" کنفرانس جهانی "لندن 2" پنجشنبه 8/11/1388 ش (28/1/2010 م) در مرکز کشور شاهی انگلستان، به اشتراک نمایندگان 70 کشور و سازمانهای بین المللی دعوت گردید. اشتراک کنندگان کنفرانس مذکور قطعنامه را به امضا رسانیدند از این قرار: جامعه جهانی همکاری می نماید، تا دولت افغانستان را قادر گرداند به انکشاف نهادها و رفع نیازمندی های اولیه مردم خویش، دست یابد. می باید با میزبانی افغانستان در کابل در آینده کنفرانسی برگزار گردد و از پلان عملی حکومت داری بهتر و ارائه خدمات موثر دولتی، رشد اقتصادی و تامین زندگی مرفح در حضورداشت جامعه جهانی نوید دهد. همچنان پیشنهاد و تعهد دولت افغانستان استقبال گردید، مبنی بر اینکه نیروهای امنیتی افغانستان در ظرف مدت سه سال رهبری عملیات نظامی را در ساحات ناامن و مسوولیت تامین فزیک کشور را در ظرف پنج سال دیگر عهده دار میشوند و پیشنهاد دولت افغانستان مبنی بر برگشت آنانیکه خشونت را کنار گذاشته و به زندگی عادی در جامعه می پیوندند و به قانون اساسی احترام می گذارند پذیرفته شد، در ضمن در کنفرانس تأکید گردید، یک صندوق وجهی برای حمایت از برنامه صلح افغانستان را ایجاد می نمایند. کنفرانس از بخشش دولتهای که قرضه هایش را به مردم و کشور افغانستان که تا اکنون به 11 میلیارد دالر آمریکایی می رسد، بخشیده اند قدردانی نموده و تأکید ورزید تا این پروسه ادامه یابد. طرح الویت گزاری و پیشرفت سریع زراعت، انکشاف زیربناها مورد تأیید قرار گرفت و برتلاش در جهت ظرفیت سازی و اصلاح نهادها، در افغانستان پا فشاری گردید. پیشنهاد افغانستان مبنی بر کمکها و مصرف آن الی دو سال 50 فیصد از طریق حکومت افغانستان مشروط بر کاهش فساد اداری، تحکیم سیستم مدیریت مالی، بهبود در تطبیق بودیجه و ارتفاع ظرفیت تأیید گردید.

اشتراک کنندگان کنفرانس، از دولت افغانستان مبنی بر تعهد آن بر تطبیق برنامه عدالت ملی با توجه به اینکه عدالت باید بصورت شفاف، عادلانه و قابل دسترس برای تمام شهروندان افغانستان به صورت مساوی فراهم گردد، استقبال کردند. کنفرانس خواست تا در سال 2010 م و سالهای بعدی برای ایجاد عملی همکاری های منطقوی، از کشورهای جنوب آسیا، سازمانهای ایکو، سارک، سازمان همکاری شانگهای و سازمان کشورهای اسلامی خواهان ارائه یک پلان واحد و هم آهنگ، راجع به نقش افغانستان و کشورهای منطقه، در راستای همکاری های منطقوی از جمله اقتصادی به کنفرانس که بزودی در شهر کابل افغانستان برگزار خواهد شد، پلان و پروگرامی داشته باشند. کنفرانس نیز بر همکاری در جهت تعیینات کادرهای ارشد خدمات ملکی و روند شایسته سالاری در افغانستان تأکید ورزید...

ما دانسته بودیم که آرزوی دیرین آقای حامد "کرزی" رئیس جمهوری افغانستان، صلح با مخالفین مسلح بخصوص برادران ناراضی شان (بقیایی رژیم طالبان و شبکه های تحت فرمانش) بود و می باشد. بدین لحاظ "جرگه مشورتی صلح" (که مطابق قانون اساسی افغانستان نه جنبه قانونی دارد و نه هم صبغه حقوقی با در نظر داشت اهداف و مرام عاطفی، سیاسی و فکری شان) از طریق کمیسیون موظف، به روزهای 12 تا 14 جوزا سال 1389 ش (2010/4/6-2 م) با ریاست آستاد برهان الدین "ربانی" به اشتراک 1,600 تن در خیمه جرگه ها، تدویر یافت. جرگه های سنتی (بغیر از جرگه که در قانون اساسی افغانستان تسجیل شده است) برای حل معضلات مهم از طرف حاکمان دعوت می شد تا راه حل معضلات را در یابند. چون تحصیل کرده ای نبود، بدین لحاظ به تجربه داران آنهم، همان بزرگان قوم مراجعه می شد. حال که فضل خداوند(ج) تحصیل کرده ها به درجات مختلف در کشور عزیز ما وجود دارد و به همین خاطر در ترکیب "جرگه قانون اساسی" آگاهانه معیارهای جدید در نظر گرفته شده که با واقعههای مدرن زمان ما همخوانی دارد و چرا ریاست جمهوری شرایط "جرگه قانون اساسی را مساعد نساخت، واضح و روشن است که در خود اهداف سیاسی نهفته دارد. ببینید خردمندی می گوید:

پیران که چنین مقام و حرمت دارند زان نیست که یک دو دم قدامت دارند
این حرمت از آن است که آنها دو نفس در رفتن از این خرابه سبقت دارند
(خلیلی)

جرگه به برخی مسایل چون، همکاری استراتژییک دولتهای افغانستان و ایالات متحده آمریکا و موضوع مصالحه با طالبان پرداخت. چند راکت به استقبال این نشست صلح طلبانه، از طرف "طالبان ناراض" به محل اجلاس جرگه پرتاب گردید و برخی از پروگرامهای عملیاتی آنها توسط نیروهای امنیتی خنثا گردید. این جرگه پیشنهاد "طرح صلح حکومت" آقای "کرزی" را مورد تایید قرار داد، نیز از دولت افغانستان و جامعه جهانی تقاضا نمود تا: زندانی های طالبان را، برای حُسن نیت آزاد سازند. هر چه عاجل اسامی مخالفین (طالبان) از لیست سیاه جامعه جهانی حذف گردد. زمینه زندگی و مصونیت حیات فزینی، بازگشت کنندگان به آغوش دولت جمهوری اسلامی فراهم گردد. بی مورد نباید خانه های مردم تلاشی شود. بمب باردمان های ویرانگر قطع گردد. از دستگیری های بیمورد جلوگیری صورت گیرد. رهبری عملیات های نظامی توسط نیروهای افغانستان در هم آهنگی قوت های خارجی انجام شود. از همکاری های جامعه جهانی بخصوص ایالات متحده آمریکا سپاس گزاری شد و تأکید ورزید مانند گذشته، دوامدار با دولت افغانستان، از جمله در پروسه صلح به رهبری دولت افغانستان همکاری نمایند و در جهت همکاریهای منطقه و ی سعی بخرچ دهند. از دولت افغانستان طلب گردید، در همکاری با مردم در جهت حکومت داری خوب، سپردن کار به اهل کار، مبارزه علیه فساد اداری، غصب زمین در سطح مرکز و ولایات بکوشد و تأکید ورزید، نباید پروسه صلح حق، هیچ فردی از افراد به شمول زنان را ضایع سازد. تأکید شد حکومت افغانستان برای تطبیق فیصله های این جرگه، شورای صلح را ایجاد نماید و از کارکردهای خویش در این راستا گزارش روشن و بموقع به مردم افغانستان ارائه دارد. جرگه با خیر و فلاح مردم وکشور پایان یافت.

حال می بینیم، آقای حامد "کرزی" رئیس جمهور کشور بر مبنای فیصله های "جرگه صلح" (تحت ریاست آستاد برهان الدین "ربانی" که بسا مردان دیگر که در این جرگه شرکت داشتند و در تصمیمگیری، فیصله آن جرگه مسوولیت مستقیم دارند) با دست باز، بمب باردمان های هوایی را به بهانه های مختلف قطع می سازد. تلاشی خانه های مشکوک را بی مورد می داند و تازه هدایت می دهد که بالای برادران ناراضی شان، قوای مسلح جمهوری افغانستان از سلاح ثقیل استفاده نکنند، که خدای ناخواسته برادران سرفرومندان اعلی قوای کشور، افکار شوند.

متعاقب ختم "جرگه مشورتی صلح"، رئیس جمهور کشور آقای "کرزی" با صدور فرمانی، فهرست اعضای شورای عالی صلح را که خیلی طولانیست بمعرفی گرفت. در یکی از جلسات شورای مذکور با حضورداشت رئیس جمهور و با تلاش و تأکید، رئیس جمهور، آستاد برهان الدین "ربانی" بحیث رئیس شورای عالی صلح، به اکثریت آرای، اعضای اجلاس برگزیده شد. انتخاب آستاد "ربانی" بحیث رئیس شورای مذکور، سبب رنجش خاطر حضرت "مجددی" گردید و مدتی قهر خود را حفظ نمود.



کشورهای مختلف جهان، به ادامه کمکهای مالی که به "کمیسیون تحکیم صلح"، آماده کمک درشت مالی به "شورای عالی صلح" با رهبری آستاد "ربانی" شدند. کارکرد، شورای مذکور جزرها ساختن عده ای از خطرناکترین کدرها و قومندانان طالب از زندانهای آمریکا، افغانستان و پاکستان، سفید ساختن فهرست، بخشی طالبان از لیست سیاه جامعه جهانی و آزاد سازی برخی پولهای قید شده افراد مربوط به طالبان از برخی بانکهای جهانی و بالاخره، ترور بسیار هنرمندانه، مسلکی و گیج کننده رئیس شورای عالی صلح افغانستان و...

از اینکه وظایف "کمیسیون تحکیم صلح" که ریاست آن را آقای "مجددی" عهده دار بود، به "شورای عالی صلح" با رهبری آستاد "ربانی" سپرده شد. همزمان حضرت "مجددی" آزردگی خود را پنهان کرده نتوانست. آقای "کرزی" چون رگ خواب بزرگان ما را می دانست، برای حضرت "مجددی" پست و وظیفه جدید تهیه دید و عاجل فرمان صادر نمود تا "کمیسیون تحکیم صلح" قبلی به "کمیسیون مستقل حل منازعات و ارتباط مردم با دولت افغانستان" با ریاست آقای "مجددی" و با اختیارات بی حساب تغییر نام یابد. وظایف کمیسیون مذکور از حل مشکلات خانواده گرفته تا دولت، معضلات میان مردم، حل معضلات کوچکی ها و ده نشینان و اختلافات قومی همه را دربر داشت. این وظیفه و صلاحیت، مرا یاد آمد از تقسیم ملا صاحب "نصر الدین"، او گفته بود ای برادر این "خانه گک کوچک" و آن "حیوانگک نافهم" از آن من و از "سر بام تا سریا" از آن تو. حضرت صاحب را این ریاست و این وظیفه پسند آمد و خرسند گردید. اما صاحب نظران را پسند نه آمد.

صاحب نظران در ارتباط با وظایف پیشبینی شده "کمیسیون مستقل حل منازعات و ارتباط با دولت" تأکید داشتند که جای برای ارگانهای عدلی و قضایی باقی نمانده و این اقدام دولت را، مغایر با قانون اساسی و مجموع قوانین دیگر دولت جمهوری افغانستان دانستند. بعد ها معلوم نشد که وظیفه و سرنوشت کمیسیون مذکور به کجا انجامید.

کمیسیون "تحکیم صلح" که وظایف پیشبینی شده، شورای صلح را قبلاً پیش می برد و در مدت شش سال فعالیت خویش، حدوداً 8,500 نفر طالب را به پروسه صلح برگزاندند و در ضمن 1,500 نفر از مربوطین گنده طالبان را از زندانهای پلچرخی، بگرام و گوانتانامو آزاد ساخته است. همچنان یکی از کارکردهای برشمرده کمیسیون مذکور، حل مناقشه میان آقایون اکبر بای و جنرال "دوستم" بوده، کمیسیون تحکیم صلح، اختیارات مالی لازم را داشته و آنانیکه به دولت پیوستند از امتیازات معین برخوردار گردیدند. از این طریق شماری پلان شده از یکطرف از امتیازات لازم مستفید شدند و از جانبی در نقاط و جاهای اساس دولتی جابجا شدند...

به اساس فرمایش نشست جهانی " لندن 2 "، کنفرانس بین المللی "کابل"، روز سه شنبه 29/4/1389 ش (20/7/2010 م) در شهر کابل پایتخت افغانستان تحت عنوان "قلب آسیا" جهت همکاری منطقه ای به اشتراک نمایندگان 30 کشور و سازمانهای بین المللی دایر گردید و توسط 15 هزار تن از نیروهای مسلح تامین امنیت گردید. اجلاس توسط رئیس جمهور آقای "کرزی" افتتاح گردید. اهداف محوری کنفرانس - اصل مشارکت موثر با کشورهای جهانی، حکومت داری بهتر، حاکمیت قانون، حقوق بشر و حقوق زن و اطفال، تشریک مساعی میان دولت افغانستان و مردم آن، همچنان تداوم همکاریهای جامعه جهانی در جهت رسیدن افغانستان به توانای های خویش در عرصه های مختلف از جمله مسایل امنیتی، انکشاف اقتصادی و خدمات اجتماعی، صلح، آشتی و ادغام مجدد مخالفین با در نظر داشت قانون اساسی و دست آوردهای سالهای اخیر، همکاریهای منطقه ای - مبارزه با مواد مخدر - حمایت از مالکیت و رهبری افغانستان و تقویت مشارکت بین المللی، سپردن 50 فیصد کمکهای جهانی از طریق دولت در ظرف دو سال آینده با در نظر داشت ظرفیت حکومت افغانستان، بمصرف رسیدن 80 فیصد کمکها از منابع خارجی مطابق به اولویت بندیهای دولت افغانستان و دولت افغانستان طلب 15 میلیارد دالر آمریکای برای نیازمندیهای عرصه های مختلف خویش به کنفرانس ارایه داشت و این پیشنهاد، ناشنیده ماند - تعهد مجدد و مکرر افغانستان برای حکومت داری خوب و مبارزه علیه فساد اداری و مسایل مانند تعهدات گذشته که جنبه عملی پیدا نکرد.

انتخابات دوم پارلمانی (مجلس نمایندگان و مجلس سنا) افغانستان بعد از سقوط طالبان، روز شنبه 27/6/1389 ش (18/9/2010 م) با مدیریت "کمیسیون مستقل انتخابات" و با نظارت و حکمیت "کمیسیون شکایات انتخاباتی" مطابق فرمان تقنینی (قوانین انتخابات) رئیس جمهور و نظارت کمیسیون شکایات انتخاباتی، تحت تدابیر شدید امنیتی در 34

حوزه ولایتی و یک حوزه مستقل برای اقوام کوچی این کشور با هزینه 150 میلیون دالر که توسط کشورهای خارجی تامین شده بود برگزار گردید، از جمله 2,577 کاندید ولسی جرگه 2,171 تن مرد و 406 تن خانم، برای احراز 249 کرسی مجلس نمایندگان به رقابت پرداختند. امنیت این دوره انتخابات، را مشترکاً نیروهای داخلی و خارجی بدوش داشتند. "کمیسیون شکایات انتخاباتی" و ناظرین، سطح مشارکت واجدین شرایط را، 45 درصد به تناسب انتخابات ریاست جمهوری 1388 ش (سال قبل) کمتر گزارش دادند. نقش مطبوعات به تناسب انتخابات های قبلی پررنگ دیده شد. تهدیدات علیه کاندیدان و رای دهنده گان گسترده به نظر رسید. عملیات دهشت افگنی اختطاف، کشتن، استفاده برخی از کاندیدان از گروه های مسلح غیر مسوول به نفع خویش در گزارشات ناظرین و مشاهدین درج گردید. حزب اسلامی آقای "حکمتیار" و طالبان علیه انتخابات موضع رسمی و جدی داشتند، اما دیده شد که غیر رسمی به حمایه از برخی از کاندیدان، برخاسته و نماینده گان شان در دو مجلس شورای ملی (مجلس سنا و مجلس نمایندگان) راه یافت. 3,000 شکایت رسمی به "کمیسیون شکایتهای انتخاباتی" (مرکب از سه تن عضو داخلی و دو تن عضو بین المللی به معرفی "یونما") سپرده شد. این امر، دلالت بر این دارد، که سطح تخلف و تقلب در این انتخابات خیلی بالا بوده است. نتایج ابتدایی و نهایی توسط کمیسیون انتخابات اعلان گردید. برخی از کاندیدان به اعتراض برخاستند و در ولایتهای کابل، بغلان، سمنگان، بدخشان... را پیمایی، مظاهره راه انداختند و برخی آنها دست به تحصن، اعتصاب و راه بندان زدند و گاهی به خشونت دست زدند. "کمیسیون شکایات انتخاباتی" بعد بررسی شکایتهای رسیده به کمیسیون، نام 19 تن از کاندیدان پیروز اعلا شده توسط "کمیسیون انتخابات" را بدلیل تقلب در آرایشان، از فهرست برنده گان حذف نمود و بجای آنها 19 تن دیگر را برنده تشخیص داد، که با واکنش شدید کاندیدان حذف شده و برخی مسوولان کشور از جمله رئیس مجلس نمایندگان (آقای "ابراهیمی" افغانستان) مواجه گردید. در نتیجه با فرمان رئیس جمهور "کرزی" محکمه اختصاصی ایجاد گردید، قانونی بودن چنین محکمه، در مورد انتخابات از جانب صاحب نظران مورد پرسش جدی قرار گرفت و آن را غیر قانونی تلقی کردند. خلاصه محکمه مذکور صلاحیت 62 تن از وکلای نشسته در تالار و پیروز دانسته شده، توسط کمیسیون شکایتهای انتخاباتی را سلب نمود و نتیجه را، به کمیسیون انتخابات، زیر رهبری آقای فضل احمد "معنوی" سپرد، تا اعلان نتایج کند. کمیسیون مذکور صرف صلاحیت 9 تن (که کمیسیون انتخابات، خود آنها را قبلاً سلب صلاحیت کرده بود و کمیسیون شکایات انتخاباتی آنها را برنده شمرده بود) از جمله 62 تن سلب شده توسط محکمه را، پس از گذشت دو ماه شش روز، طی یک کنفرانس مطبوعاتی اعلان نمود. سهم هر ولایات با در نظر داشت به تناسب کمیت نفوس و جنسیت، از این قرار است:

ولایت کابل: 24 وکیل مرد و 9 وکیل بانو، بغلان: 6 مرد - 2 بانو، کندز: 7 مرد - 2 بانو، بادغیس: 3 مرد - 1 بانو، بامیان: 3 مرد - 1 بانو، بدخشان: 7 مرد - 2 بانو، بلخ: 8 مرد - 3 بانو، پروان: 4 مرد - 2 بانو، پکتیا: 4 مرد - 1 بانو، پکتیکا: 3 مرد - 1 بانو، پنجشیر: 1 مرد - 1 بانو، تخار: 7 مرد - 1 بانو، جوزجان: 4 مرد - 1 بانو، خوست: 4 مرد - 1 بانو، دایکندی: 3 مرد - 1 بانو، زابل: 2 مرد - 1 بانو، سر پل: 4 مرد - 1 بانو، سمنگان: 3 مرد - 1 بانو، غور: 4 مرد - 1 بانو، فاریاب: 6 مرد - 3 بانو، فراه: 4 مرد - 1 بانو، کاپیسا: 4 مرد - 1 بانو، کنر: 3 مرد - 1 بانو، لغمان: 3 مرد - 1 بانو، لوگر: 3 مرد - 1 بانو، ننگرهار: 10 مرد - 4 خانم، نیمروز: 1 مرد (که مرد رای نیاورد بجایش خانم رای آورد) - 1 خانم (در نتیجه هردو وکیل خانم)، نورستان: 1 مرد - 1 بانو، وردک: 3 مرد و 2 خانم، هرات: 12 مرد - 5 بانو، هلمند: 6 مرد - 2 بانو، غزنی: 8 مرد - 3 بانو.

برخی ها از جمله آقای رئیس جمهور "کرزی" در ارتباط با نتایج انتخابات مجلس نماینده گان افغانستان در باره نتایج انتخابات ولایت غزنی از اینکه برندگان انتخابات در آن ولایت، بیشتر مربوط به ملیت هزاره می شد، عکس العمل نشان داده گفتند: ترکیب و سهم قوم (پشتون) در کرسی های "مجلس نمایندگان" در نظر گرفته شود. این شیوه برخورد رئیس جمهور، انتقادات شدید را به همراه داشت. انتخابات با در نظر داشت ناامنی ها، 3 کارمند کمیسیون انتخابات کشته و 13 تن دیگر آنها زخمی گردید، 22 نظامی کشته و 46 تن زخم برداشت. انتخابات نیز با تقلب همراه بود از جمله مشکل پاک شدن رنگ، امکان رای دادن چند بار توسط یک فرد، پرکردن غیر قانونی صندوقهای رای، رای دادن آناتیکه به سن قانونی رایدی نرسیده اند. تلاش زورمندان، سلاح داران غیر قانونی، کارمندان دولت، دستکاری برخی از کارمندان مربوط به کمیسیون انتخاباتی سال 1388 ش. توزیع کارت رایدی بیش از نفوس واجد شرایط رایدی توسط کمیسیون انتخابات در این دوره، افراد واجد شرایط رایدی بیش از یازده میلیون نفر پیش بیشینگی شده بود. یکی از کارکرهای جالب و غیر قابل باور و حیرت انگیز، این دور پارلمان کشور (مجلس سنا با ریاست آقای "مسلمیار" و مجلس نمایندگان تحت ریاست آقای "ابراهیمی") تصویب قانون "امتیازات و مصونیت وکلای پارلمان" بعد از ختم وظیفه اینکه: صاحب 25 درصد معاش ماهانه فعلی، دو محافظ با معاش، پاسپورت سیاسی به خود و پاسپورت خدمت به اعضای خانواده، سهم پنج تن برای اعزام به حج خانه خدا و... ذکرش رنج آور می باشد.

بدوام گردهمایی های جهانی برای افغانستان، کنفرانس "لزبون" جمعه 28/8/1389 ش (19/11/2010 م) برای دو روز در مرکز کشور پرتقال برگزار شد. چگونگی حضور نیروهای "ناتو" در افغانستان از موضوعات کلیدی این نشست بود، همچنان پلان ترانزیتی، آموزش کارمندان مبارزه با مواد مخدر، تهیه تجهیزات به نیروهای افغانستان و امضای تفاهمنامه همکاری دراز مدت میان افغانستان و متحدان جهانی اش، مورد بررسی قرار گرفت. در این نشست ایالات متحده آمریکا بر افزایش کمک های مالی و پرسونل نظامی به افغانستان تأکید ورزید و مسایل دیگر...

همچنان کنفرانس منطقی "استانبول" روز چهارشنبه 11/8/1390 ش (2/11/2011 م) در مرکز کشور جمهوری ترکیه، با اشتراک، نمایندگان 14 کشور همسایه و تعدادی از کشورهای منطقه و جهان از جمله آمریکا، بریتانیا، اتحادیه اروپا، اعضای دائمی پنج کشور در سازمان م.م، ناظرین چون کشورهای ناروی، سویدن، اسپانیا... وسازمانهای معتبر بین المللی (س.م.م، کنفرانس اسلامی، سازمان ایکوو...) برگزار گردید. اعضای اشتراک کننده نگرانی خود را از اوضاع امنیتی کشور افغانستان ابراز داشته و تأکید ورزیدند که بی ثباتی افغانستان، بی ثباتی منطقه و جهان را به همراه دارد. ایران نگرانی خویش را از موجودیت قوت های نظامی آمریکا در همسایه گی خویش در افغانستان بی پرده بیان داشت، بدین لحاظ دولت ایران هم با حاکمیت آقای "کرزی" روابط اش را تأمین نموده و هم در موارد به شورشیان کمک رسانی می کند. همچنان پاکستان از فعالیتهای گسترده هند در افغانستان گلگندی خود را بیان داشت.

کنفرانس تأکید ورزید آنطوریکه کشورها، می توانند در نا آرامی های افغانستان اثر گزار باشند، یقیناً می توانند در برگرداندن ثبات به افغانستان نقش آفرینی داشته باشند، بایست چنین توانیها را خویش را در راستا بهبود وضع در افغانستان بکار گرفت. تأکید شد در حال حاضر، کشور افغانستان چون معضل داخلی، منطقی و جهانی دارد بر رهبران دولت و حکومت افغانستان است تا به درک علل و دریافت راه های برون رفت از آن توجه لازم نمایند. کنفرانس خاطر نشان ساخت که کشورهای افغانستان، ایران و پاکستان شریک تجاری خوبی اند و می توان از آن به نفع روند همکاری در جهت ثبات در افغانستان جنگزده کار گرفت. در گوشه کنفرانس مذکور، نشست سه جانبه، میان نمایندگان افغانستان، پاکستان و ایران صورت گرفت و این هشتمین نشست سه جانبه آنها می باشد که به ابتکار دولت جمهوری ترکیه سازماندهی می شود اما با تاسف همه بدون نتیجه و غیرقابل درک.

کنفرانس "بن 2" دوشنبه 14/9/1390 ش (5/12/2011 م) در کشور آلمان فدرال با حضور نمایندگان 85 کشور و 15 سازمان جهانی با اعلامیه در 6 بخش و 33 ماده تحت عنوان "افغانستان و جامعه بین المللی، از انتقال به دهه تحول" برگزار گردید. در ابتدا، نماینده دولت پاکستان در این اجلاس دعوت نشده بود و رهبری دولت پاکستان در آن شرایط از سوی دولتهای غربی بخصوص ایالات متحده آمریکا با کم مهری مواجه بود، بعدتر با روحیه سرد، دعوت گردید. دبیر کل "ناتو" با آقای علی زرداری رئیس جمهور پاکستان ملاقات نکرد (مشکلی برنامه ریزی بهانه تعبیر شد) آقای بارک اوباما نیز با وی دیدار نکرد و به وزیر خارجه اش محول نمود. در آنزمان مناسبات رهبران برخی از دولت های مقتدر جهان با دولت پاکستان سخت تیره شده بود و در انزوای بین المللی داشت قرار می گرفت. در این ایام، از آقای "کرزی" رئیس جمهور افغانستان پرسیده شد، اگر جنگی میان آمریکا و پاکستان راه افتد، شما چه موضع خواهید داشت؟ در جواب گفت: صف برادر خود، پاکستان را می گیرم. در پایان اجلاس "بن 2" در پای سند ترتیب شده در کنفرانس مذکور بیش از 100 نماینده از کشورها و سازمانهای بین المللی امضا گذاشتند و تأکید ورزیدند، حد اقل تا ده سال بعد از خروج نیروهای نظامی بین المللی از افغانستان از سوی جامعه جهانی کمکها، کماکان ادامه خواهد یافت، بخصوص پرداخت هفت میلیارد دالر برای قوای مسلح و برخی مسایل انکشافی افغانستان. همچنان تعهدات متقابل جامعه جهانی و افغانستان با تلاش همکاری بین سالهای 2015 تا 2025 م بعد از خروج نیروهای جهانی از افغانستان صورت گرفت. همچنان مانند گذشته دولت افغانستان بدوام تعهدات قبلی خویش تأکید ورزید حکومت اش به یک جامعه دموکراتیک و با ثبات، همچنان مبارزه با فساد و حفظ حقوق بشری همه افغانها بشمول زنان متعهد می باشد و برای شفافیت مصارف مالی بیش از پیش می کوشد...

کنفرانس "شیکاگو" در شهر ایالات متحده آمریکا، روز دوشنبه تاریخ 1/3/1391 ش (20-21/5/2012 م) به اشتراک بیش از 50 رهبران کشورهای جهان، از جمله مسوولان "ناتو" دایر گردید، تا بار دیگر در قبال افغانستان بعد از سال 2014 م تصمیم مشترک داشته باشند. از جمله چگونگی و جایگاه "ناتو" پس از سال 2014 م، ارزیابی و آسیب شناسی افغانستان، پروسه انتقال مسوولیت های امنیتی از نیروهای جهانی به نیروهای نظامی افغانستان، مورد بحث جدی قرار گرفت. اعضای کنفرانس در زمینه به تفاهماتی دست یافت....

کنفرانس "توکیو 2" روز یکشنبه 18/4/1391 ش (8/7/2012 م) با اشتراک نمایندگان بیش از 70 کشور و سازمان جهانی در پایتخت کشور جاپان برگزار گردید. کشورهای کمک کننده 16 میلیارد دالر کمک مالی را برای مدت چهار سال، برای افغانستان تعهد سپردند. مسایل چون مرحله انتقال (2014 - 2012 م) و دهه تحول (2015 - 2025 م) را مورد بررسی قرار دادند. در 7 ماه اخیر الی تدویر این نشست، شش کنفرانس در سطح جهان پیرامون آینده افغانستان پیهم دعوت

شده بود. این بدین معنا است، که قضیه افغانستان هنوز هم، مورد توجه جدی جامعه جهان قرار دارد. کنفرانس از دولت افغانستان خواست تا در جهت تدوین برنامه های از جمله حکومت داری خوب، زراعت و انکشاف دهات، توسعه سکتور خصوصی، بهبود زیر ساختهای اساسی، ترانسپورت، خط آهن، معادن، انرژی، انکشاف صنایع و امنیت گام های جدیدتر بردارد و جانب افغانستان بر دوام تعهدات خویش آینده را بهتر از گذشته ترسیم نمود...

در آستانه خروج نیروهای نظامی خارجی که وظیفه شان در ارتباط با جدول زمانی پیشبینی شده در اواخر سال 2014 م به پایان می رسد. شخصیت‌های قابل اعتماد آقای حامد "کرزی" رئیس جمهور کشور با نمایندگان آمریکایی مذاکره داشتند، تا اسنادی جامع و همه جانبه - برای عقد سند استراتژیک، میان دو دولت تهیه گردد. مسوولین در این باره خیلی خون دل خوردند تا چنین سندی آماده شد. دل آقای "کرزی" طاقت نیاورد، در برخی از جلسات، خود مستقیم سهم گرفت تا سند نهایی گردید و در یکی از سفرهای شبهنگام آقای بارک "اوباما" به افغانستان، سند مذکور به امضای روسای جمهور دو کشور رسید. بنا به دلایل آشکار (خواستهای شخصی و گروهی، رنجش از انتخابات 1388 ش ریاست جمهوری افغانستان نسبت به آمریکا و دیدگاه ایدیولوژیک آقای "کرزی") و پنهان، بخشی امنیتی آن سند از جانب رئیس جمهور افغانستان به بعد، آنهم به صلاحیت مردم از طریق "جرگه سنتی و مشورتی" گذاشته شد. در حالی که رئیس جمهور صلاحیت داشت خود تصمیم گیرد و تصمیم اش را به شورای ملی رجعت دهد، چنین نکرد. راه دور، دراز، غیر قانونی، پر مصرف و پر از درد سر را پیش گرفت.

رئیس جمهور کشور فرمان شماره 79 روز دوشنبه مورخ 21/7/1392 ش (13/10/2013 م) را، مبنی بر ایجاد کمیسیون 31 نفری، با ریاست آقای "مجددی" و معاونین هر یک آقایان "شهرانی" و محمد عارف "نورزی" و منشی ها هر یک آقایان محمد علم "ایزیدیار" و حیات الله "بلاغی" جهت دعوت جرگه عنعنوی یا مشورتی (نه جرگه که در قانون اساسی پیشبینی شده است) و با سخنگویی خانم صفیه "صدیقی" بخاطر ارزیابی محتوای توافقنامه امنیتی میان افغانستان و ایالات متحده آمریکا، بتاريخ پنجشنبه 30/8/1392 ش (21/11/2013 م) جرگه مشورتی، با اشتراک بیش از 2,000 نفر (شرایط اعضای که بحیث نماینده از صنف خویش در لویه جرگه اشتراک کرده می تواند: سن 25 سالگی را پوره کرده باشد، ناقض حقوق بشر نباشد، متهم به جرایم جنگی نباشد، معلومات کافی در باره جرگه ها داشته باشد، از جمله امین و متنفذ کتگوری طیف خویش باشد...) در خیمه لویه جرگه ها در شهر کابل با تدابیر سخت امنیتی دایر گردید. جریان فعالیتهای کاری اجلاس جرگه: قرانت بخشی از متن نامه آقای "اوباما" رئیس جمهور آمریکا، توسط رئیس جمهور آقای "کرزی"، توزیع متن طرح موافقتنامه امنیتی (ب.س.ا) به اعضای شامل جرگه. از مجموع اعضای اشتراک کننده، 50 کمیته کاری ایجاد گردید. کارکرد کمیته ها در جلسه روسا کمیته های 50 نفری به بررسی گرفته شد. در نتیجه با شامل ساختن - سلسله نظریات، پیشنهادات و نقطه نظرات در متن موافقتنامه، جرگه در کلیت موافقتنامه مذکور را سودمند ارزیابی نمود و به تصویب رسانید. آقای "کرزی" در پایانی کار جرگه حضور یافت، چون قبلاً از تصمیم جرگه آگاهی یافته بود با نا راحتی هر چه تمام، پیش شرط های جدیدی، خلاف حرف دیپلماتیک مطرح ساخت و با واکنش آقای "مجددی" رئیس جرگه مواجه گردید. هر دو دیالوگ جالبی را راه انداختند که دیدن و شنیدن اش به مردمان دلسوز سرزمین ام در آور و رنج دهنده است، که بزرگانشان چه ها دارند می کنند. اگر آناتیکه - فلم "سلطان و شبان" را دیده باشند، با تاسف خودش همان است و همان. یگو مگو حضرات آقایان "کرزی" و "مجددی" یکی برای دفاع از فیصله جرگه و دیگری بر علیه آن موضع گرفتند. سر انجام دیدگاه اعضای جرگه و فیصله آن، با مصرف پول گزاف، تعطیلی دانشگاه ها، راه بندان سرکها، معضلات گوناگون شهروندان کابل، زحمتکشی و رنج نیروهای مسلح به هیچ گرفته شد و بالاخره، آقای "کرزی" همه را به هیچ و به - بی اعتنای گرفت و به این معنا که، به موی سر میرویس جان فرزند دلبنداش.



همه جا دکان رنگ است همه رنگ میفروشد
 دل من به شیشه سوزد همه سنگ میفروشد
 (رازق فانی)

انتخابات دوره سوم ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی افغانستان پس از سقوط رژیم طالبان، روز شنبه تاریخ 16/1/1393 ش (5/4/2014 م) با مدیریت "کمیسون مستقل انتخابات افغانستان" و با نظارت شبه قضایی "کمیسون شکایتهای انتخاباتی" که توسط کمیته گزینش (مرکب از پنج نفر: روسای مجلسین شورای ملی، قاضی القضاة، رئیس کمیسیون تطبیق قانون اساسی و دو تن از نمایندگان انتخابی جامعه مدنی) 20 تن را، از میان فهرست داوطلبان که با مشخصات قبلاً اعلان شده، اسناد ارائه می کنند، بر می گزیند و به ریاست جمهوری می سپارد، تا ریاست جمهوری از جمله شاملین فهرست ارائه شده، 9 نفر را بحیث اعضای کمیسیون م. انتخابات و 5 تن دیگر را، بحیث اعضای کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی، برگزیند. همچنان برای اولین بار قانون انتخابات افغانستان از طرف شورای ملی (هر دو مجلس) تصویب و توسط رئیس جمهور توشیح گردید.

در این انتخابات 11 تن برای احراز کرسی ریاست جمهوری به رقابت پرداختند. همزمان بار دیگر حضرت صاحب صبغت الله "مجددی" بار دیگر استخاره کردند و در پی آن آقای اشرف غنی "احمدزی" را لایق رسیدن "ارگ ریاست جمهوری" یافت و این راز را از طریق تلویزیون به گوش خلق الله رسانید. بار دیگر آقای "رحمکیان" صدا برآورد:

خدای من! تو انم ده که من هم استخاره کنم نقاب چهره ی، نیرنگ پاره، پاره کنم
 خدای من عدالت است یکی استخاره کند؟ و من انگشت زیر لب نشسته، نظاره کنم

در جریان کمپاین انتخاباتی دو تن هر یک عبدالقیوم "کرزی" نماینده مستعفی پارلمان و عبدالرحیم "وردک" وزیر دفاع سابق افغانستان از کاندیداتوری استعفا دادند 2,700 نامزد برای رسیدن به 420 کرسی نماینده گی در شوراهای ولایتی به رقابت پرداختند که از جمله 180 تن آن زن می باشند. به اعتراف رئیس کمیسیون مستقل انتخابات آقای محمد یوسف "نورستانی"، هیچ یک کاندیدان ریاست جمهوری شرایط کاندید شدن را به پست ریاست جمهوری آماده و تکمیل کرده نتوانست، ناچار و مجبوراً...تن را که طور نسبی شرایط را تکمیل کرده بودند، بحیث کاندیدا پذیرفته شدند (اینک بار دیگر به - قانون شکنی ها و اصول شکنی های قبلی اضافه شد) و تعدادی کاندیدا داوطلب رد گردید. کاندیدان رد شده دست به اعتراضات دوامدار زدند و زمانی طولانی را دربر گرفت و نتایج از آن حاصل نگردید ...

در مورد کاندیدای اعضای شورای ولایتی هم، بسا مشکلاتی از جمله تکمیل نکرده سن پیشبینی شده و داشتن مدارک جعلی تحصیلی (آدم به حیرت می افتد، که چگونه، آنانیکه دعوی خدمت به مردم و جامعه را از طریق پست ریاست جمهوری در سر می پروراندند، بدون تکمیل کردن شرایط پیشبینی شده در لوایح تصویب شده، خود را ثبت نام می کنند. یا آنانیکه خواسته بودند، از طریق شورای های ولایتی کشور، برای مردم عذاب دیده، کشور مجروح و سرزمین جفادیده افغانستان خدمت کنند، با اسناد تقلبی و جعلی، دو دسته خود را بمعرفی گرفته، ثبت نام برای خدمتگزاری می کنند. مرحله بعدی در صورت پیروزی، با دست گذاشتن، روی قرآنکریم (کلام خداوند)، عدالت خداوندی و قوانین را، در جامعه ما تطبیق کنند. با وجود اثبات اسناد جعلی (تحصیلی و سنی) نسبت تعدادی از کاندیدای شوراهای ولایتی، هیچ کسی از آنها، مورد پیگرد قانونی قرار نگرفت. مثل اینکه بر فضای سرزمین بنام افغانستان، حکم "مربی داری مریا بز" جاریست. با آغاز کمپاین انتخاباتی، تنی چند، از کاندیدای ریاست جمهوری به نفع کاندیدای دیگر به استعفا رفتند. انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی همزمان بتاريخ 16/1/1993 ش (5/5/2014 م) برگزار گردید. سطح تهدیدات مخالفین مسلح دولت بسیار بالا گذارش گردید. خرابکاریهای در نقاط مختلف کشور صورت گرفت. قوای امنیتی و اردو کشور در سطح بلند و در حد امکان امنیت انتخابات را تامین کردند و مورد ستایش مردمان داخل و خارج کشو قرار گرفتند. اشتراک ناترس، وسیع واجدان شرایط، انگشت حیرت را بر دهان مردمان شرق و غرب گذاشت، حتا برخی، شاید از ناپاوری و حیرت گیج کننده انگشت گزیده باشند، اعلان نتایج دور اول انتخابات ریاست جمهوری بترتیب کسب آرا: داکتر عبدالله "عبدالله" - 2,972,141، داکتر اشرف غنی "احمدزی" 2,084,547، زلمی رسول 750,997، عبدالرب رسول "سیاف" 465,207، قطب الدین "هلال" 181,827، محمد شفیق گل آقا "شیرزوی" 103,636، محمد داود "سلطان زوی" 30,685، و هدایت امین "ارسلا" 15,506 آرا را بدست آوردند و در نتیجه دو کاندید پیشتاز دور اول انتخابات، هر یک عبدالله "عبدالله" و اشرف غنی "احمدزی"، برای رقابت به مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری آماده گی گرفتند.

در دور دوم انتخابات سال 1393 ش صفتبندیها و صف آرابی های جدید بوجود آمد. دو تیم (نامتجانس دارای خواستگاهی متفاوت و دارای ایدیولوژی متضاد، اکثراً چهره های شناخته شده از جمله حدوداً بیش از 30 وزیر دوره های مختلف حاکمیت آقای "کرزی" و ده ها وکیل بطور آشکار و ده ها رئیس، والی و قومندان امنیه برحال طور پنهان، وقتی به هر یک از ایشان می نگریم، بخشی اعظم آنها، شریک سرد و گرم حاکمیت های سیزده و نیمسال اخیر و صاحب دارای های باد آورده و با امکانات وسیع و گسترده و وابسته به شبکه های بیرونی می باشند) به کمپاین نا پسند، دور از فرهنگ سیاسی، خسته کن و دلگیر کننده پرداختند. سر انجام شهروندان عزیز کشور با وجود تهدیدات جدی امنیتی با تماشای انگشت بریدن و جان باختن هم وطن خویش روز شنبه مورخ 24/3/1393 ش (14/6/2014 م) به پای صندوق های رای رفتند. اما دیده شد چگونه تخطی و تقلب گسترده توسط برخی از مدیران انتخابات، کارمندان حکومتی، گویا در بی خبری مقامات ارگ ریاست جمهوری (بالخاصه با هنرمندی و هوشیاری مختص به خود، جناب آقای "کرزی") با ارائه اسناد تقلب مبنی بر دست اندازی مقامات در سطوح مختلف الی درجه معاون دوم ریاست جمهوری، بگمانم، در آینده شاهد بالاتر از آن خواهیم بود.

بی توجه کمیسیونها به تقاضاهای پیهم، یکی از دو کاندید ریاست جمهوری، خموشی معنادار ریاست جمهوری کشور، آماده گی برای اعلان حکومت موازی، صف آرابی ها و صفتبندی ها در شهر کابل و چند ولایات دیگر، کشور را به سوی تشنج سیاسی و نظامی چند قطبی می کشید. برخی از استخبارات منطقه، گروه هایی نفوذی در داخل رژیم، مافیهای عرصه های مختلف، نیروهای مسلح مخالف نظام، بخصوص طالبان انتظار چنین شرایط و زمان را داشتند تا توت به مرادشان پخته باشد. در چنین حال و احوال، تیلیفون آقای بارک "اوباما" کار ساز افتید و با سفر دومرتبه آقای "جان کری" به کشور عجلتاً تشنج فروکش نمود.



با وساطت آقای جان "کری" آمریکایی، تفاهم افغانی بوجود آمد

همت دشمن یک رنگ بلند است ولی یار دو روی و دو کردار بدم می آید
(ن.ظ)

اما بگو مگوهای دو ستاد انتخاباتی هنوز ادامه دارد، عناصر میانه رو هردو تیم در همه سطوح (در درون ستادها، تیمهای تخنیک، کمیته مشترک وحدت ملی؟ و کمیته سه گانه کاری بخشهای تیمهای سیاسی کاری هر دو دسته انتخاباتی) تحت فشار حلقه های تندرو، انحصارطلب، تمامیت خواه و حتا مافیایی که از پشتبانی حلقاتی از جمله در ارگ جمهوری ما، برخوردارند قرار دارند. خدایا خیر کند.

ما خود به جان خرمن خود یک شراره ایم
یک تک درخت خشک به یک دشت خاره ایم
(یوسف کهزاد)

نی یار ماست نه دشمن رقیب ما
غیرت همین بس است که در قلب آسیا

در قسمت آینده، دور دوم انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات شوراهای ولایتی فراموش شده سال 1393 ش افغانستان را با دست آوردها و نارسایی های، چهار دوره حاکمیت (موقت، انتقالی و دو دوره انتخابی) جناب آقای حامد "کرزی"، نهادهای سیاسی همسو، نقش منفی برخی از کشورها در قبال افغانستان، احیای مجدد طالبان، عملکرد آنها و مسایل دیگر را دنبال خواهیم کرد.

*5 میزان روز تسلط طالبان به شهر کابل
ادامه دارد